

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE

CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتہ اي بدون

تقریبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصور

۱۵ ربيع الاول ۱۳۲۲ هجري مطابق ۳۱ مايو ۱۹۰۴ ميلادي

وجه پست داخله وخارجہ بعمده اداره است

(قیمت آبونه سالیانه)

اسكندرية و نظرمصر

سه ريال ۳

ممالك دولت عليه ايران

سه تومان ۳

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجيدي ۴

انگلند هندوستان

ده روپيه ۱۰

قفقازيه تركستان

هشت منات ۸

اروپاچين بيست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ما هي دوبار و بعد هفته کي طبع و توزیع میشود

فهرست مندرجات

عالم عالم اسف - چهره نما - سياسي - روس
عثمانی - بقیه تجارت از نمره ۱ - اصفهان
حوادث اسكندرية - يكبار طمع هزار بار آرزوي
مرك - اجمل التواريخ - خصایص اعلا حضرت
امپراطور روس - مقاله مؤانسه - تکرافات - اعلان

عالم عالم اسف

خبر نکارما از رشت مینکار د حضرت اشرف

اقای حاجی امین الدوله صدر اعظم سابق ایران
در حالیکه آثار و علامت مرك از ناصیه مبارکشان
پدیدار نبود و در خیال بودند همین چند روزه حرکت
بطرف اوستریا و آبهای معدنی مریم آباد فرمایند
غفلتاً شب جمعه بیست ششم ۲۶ شهر صفر المظفر
داعی حق را لبیک گفتند و رخت رحلت بسرای
دیگر بستند ازین واقعه جانکداز شوری که تصور
نیست بر اهالی کیلان دست داد تلکرافاً بطهران
اطلاع دادند جناب جلاقماب اجل حاجی معین الملک
در ظرف بیست چهار ساعت خود را برشت نشاد
رسانیدند

چهره نما

(انا لله وانا اليه راجعون)

آسمان با کشتی خوبان کند دایم دوکار
 گاه شادی بادبانی گاه اندوه نیکری
 محقق است هر کس از کتم عدم یا بعرضه شهود
 گذاشت ناچار از جام جانکرای (کل نفس ذائقة
 الموت) میچشد و ندای روح افزای (یا ایها النفس
 المطمئنة ارجعي الی ربك راضية مرضية را می شنود
 و راه گریز بهیچ دست آویز از چنگال اجل بدر
 نمیرد (وادركم الموت ولو كنتم فی بروج مشيدة)
 از دست اجل کسی نخواهد جان برد * هر کس که
 بزاد عاقبت باید مرد پس انسان که عنصریست
 کرغایه و نایاب و جوهریست عرش پایه و خوشاب
 و دارای موهبت (نفخت فیہ من روحی است)
 و حضرت جل و علا در مقام استفهام انکاری میفرماید
 (افسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینالایرجعون)
 باید در نشو نمای سرای فانی قسمی قیام نماید که
 خلقتش عبث نباشد و تخمی بحقیقت در کشتزار دنیا که
 (الدنیا مزرعة الاخرة) چنان بیاشد که حاصاشرا
 در آخرت خود بردارد و پس از بدرود کف تن زنده
 کانی ورهسپار کردیدن بعالم جاودانی اثرات او
 در صفحه کیتی باز ماند اگر جسمش نابود اسمش بود
 و همیشه مجسمه نیکیش در همه جا موجود باشد

حضرت حاجی میرزا علیخان امین الدوله رحمت
 الله علیه همین بس از اثرات او تاریخ اساس مقدس
 و بنای اقدس مدارس جدیده و مکاتب عدیده ایران

که ابد الدهر در لوحه ترقیات ایران منقور خواهد
 ماند (سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز * مرده آنست
 که نامش به نکوئی نبرند) عجب فرخنده خیراتی
 و زیننده یاد کاریست سایر خیالات و نیات پاکش
 بجای خود روزگار عجب داغی برد لها و زخمی
 بر جگرها نهاد که التیامی پذیرد امیدواریم قادر
 ذوالجلال و خلاق متعال در این مصیبت کبری صبری
 جمیل و اجری جزیل بجناب حاجی معین الملک
 و متعلقات و بسته کانشان اعطا فرماید اعضای اداره
 (چهره نما) در این مصیبت بزرگ با باقی مانده کان انغفرت
 مآب همغم و در تعزیت و تالم شریک و هم دمند

* سیاسی *

چشم حیلہ کار سرخ فام خیره افق سیاسی
 و آسمان شعبده باز فتنه انگیز خون آشام اساسی
 از بدات معارک وصف آرائی و بعثت میادین خصم
 پذیرائی تا امروز چنین داهیه دهیا در شرق اقصا
 هرگز ندیده و نجواظر نمیکذرانید که مادر روزگار
 طفلی خونخوار نابکار و قتالی بدهنچار در مشیمه
 مادر دولت آسمانی دارد که از مقدم نامبارکش
 بساخونها ریزد و غربال شرارت و سفاکی در اقصای
 شرق بیزد و از شہامت و بد نفسیش فغانها از خانهای
 توکیو پای تحت ژاپون و پطرسبورغ محل سلطنت
 روس تاچندین سال باوج عیوق رود ولدت حیات

چند شهر واغلب بنادر در تصرف ژاپونیان آمده علاوه از یکصد توپ قلعه کوپ و چندین هزار تفنگ و آذوقه و ذخایر که غنیمت کرده اند و در این معارك و مبارزات چیزی روسیازا نصیب بنوده است بجز هزیمت از جنگ و اتلاف نفوس آنها و اسرایشان و یک از مراکز عمده که روسیان چشم امید واری داشتند باو وهمت در محارست او میکاشتنند (موکدن) بود که تا هفتاد هزار مبارز و لشکر احاطه کرده بود انجارا از روسها

اینک بمسافت پانزده میل راه پس نشة اند و بطرف شهر (ینوشوانغ) و (الیاونغ) و (هایشتع) رو کرده اند وهمه کله و شکایت روسیان از دود بارود جدید الاختراع ژاپونست که اسمش (سیموز) میباشد و این بارود بقسمی تعبیه شده است که هر کلوله توپیکه متلاشی میشود اغلب را از عفونت خود تمام میکند (یعنی کلوله در میان لشکر پس از آنکه افتاد و متلاشی کردید دودی متعفن ازهر شراره کلوله بر میخیزد که محض فرورفتن بدماغ فوری میکشد) امریکائیا کونید متبع این بارود آدم کش ما بودئیم و بکسی نکقتیم و درجائی بکار تاحال نبردیم و بجهته خود ذخیره کرده بودیم چه شد بدست ژاپونیان افتاد و مدارک آنها باستعمال این بارود فتوی داد (درحیرتم که باده فروش از کجاشنید) حال از طرفین غیر از جنگ کریز و نابود شدن و پیایی مدد طلبیدن علائمی دیگر نیست و انتهای او شاید زمانی بدرازا کشد

و معنی زنده کافی از قومی ماتم زده داغ دیده مصیبت کشیده تا روزکاری دراز ببرد

و کی کمان داشت که روزی فراز آید که از شمالی منچوریا (ولادودیسک) تاحد جنوبی منچوریا (نیوجوانک) و از شرقی (کیرین) و غربی (شیتای) منچوریا و سواحل دریای چین و کوریا از کشته های بخون آغشته تلاهای عقیق کون تعداد یابد و روی دریای صفرائی چین عنابی گردد

او هام و ضنون سیاه و نکتہ دانان و خورده بینان طبقات سلسله بنی آدم کجایقین حاصل میکردند که چنین صبحی طالع و خورشید تمدن و تربیت شرق از پس حجاب بارخی نور پاش ساطع شود و از اشعه انوار عظمت و کبر یائیش سطوت و نخوت نجوم غربیازا درهم شکند و بیک یرش دلیرانه رونق بازار شوکتشانرا ببرد و غربیان عموما وارو پاوایان خصوصاً که خودرا پدر جهان و مادر دوران میدانند در اول مصاف بکه تا از شرق سپر بیندازند و اورا بمراتب بهتر از خود دانند

نچنان حملات پیایی و هجمات دمام نمودن ژاپونیان در مواقع عظیمه و موارد مهمه و متصرف اغلب شهرها مثل (تالیونان) و (کانچو) که چهل میل مسافت است تا بندر (پور آرتر) و شجاعت و دلاوری و شهامت و بهادری انها را میرساند که توان بدون مبالغه منکر شد و چیزی بدون حقیقت نکاشت

انچه از فحوای تالکرافات اخیره برمیآید تاحال

که همیت و غیرت و مدنیت آنها غالب بوده باشد و شدت فنون کثرت قشون را بر باد میدهد و هم نطق شیوای امپراطور روس پس از غرق پسر عثمان (غرنوق قسطنطین) بمعیت (مکاراف) در کشتی (بامترو بافلومسک) مطالب مهمی را ارائه مینماید که من جمله میرسانند که خاطر اعلاحضرت هرگز اراده بمنازعه وجدال نداشته و ندارد و همواره طرفدار صلح بوده و کثرت آراء در باریان جنگجو اراده اعلاحضرت را بخود معطوف داشت و باوجود غلبه جنگجویان و مغلوبیت صلخواهان اعلاحضرت رای خود را بطرف صلح قرار داد و موکداً آنها را ترغیب حتی المقدور بصلح نمود که در صورت امکان پیرامون جنگ نکردند و طرفدار صلح بوده باشند و بتدابیر صائبه عملی و پولیتیکی بمقاصد خود کامیاب شوند (و مستملکات دولت آسمانرا بدون ثبوت حقوقی تصاحب شوند) اما افکار جنگجویان غلبه جست و بگرد فتنه گشتند و کرد آمدند که باین زودیها خموده کی پیدانکنند افسوس بقسمی که باید نشد و مقاصد ذکر کون شد (قضا چون زکردون فروریخت پر * همه عاقلان کور کردند و کور

* روس عثمانی *

در این اوقات که آتش محاربه اقصای شرق شعله ور گردیده و چنان سریع الاتقالست که بمدت قلیل باعث ائتلاف تقود کثیر و اعدام نفوس عظیم

یکی از جرید نویسندگان ایتالیا در مقاله مخصوصی می نویسد نمیشود گفت اختتام این جنگ چه زمانست و محاربه ژاپون و روس تاچه مدت بطول انجامد و این نکته از مسلمیات است که ژاپون مطلب مهمی استنباط کرده است و این است که کسبیل داشتن پانصد هزار لشکر علاوه از خیول و متفرقات که سر به یکمیلیان میزند بمسافت یکماه راه و نگاه داشتن آنها در مواقع مخصوصه بعیده و متحمل مصارف زیاد شدن باعث خسارتهای فوق الطاقه روس است و از موشکافی و نکته دانی ژاپون اوقات جنگ را بعداً امتداد میدهد و در کمین نشسته گاهی (به نا نشان) حمله میکند و زمانی به (تان کوان لنگ) هجوم میرد و میدانی مشخص که تمامی قوای خود را در انجا بنمایاند ترتیب یمدهد و مصلحت خود و انعدام خصم را بطول زمان پندارد و باین فکر صائب و تدبیر ناقب اغلب تحسین کرده اند

روزنامه (فیکارو) بقلم یک از سیاسون در بند مخصوصی چنین مینکارد که استعجاب بناید نمود در هزیمت و انکسار روس بواسطه آنکه دولت روس پس از جنگ بافرانسه دیگر مقابلی بایک دسته قشون منظم تربیت شده تحت السلاح نکرده بود و فتوحاتی که در آسیا اورا نصیب شد و یکی دو مرحله غلبه جست از کثرت لشکر و جمعیت عسکر بود مع هذا از فریفتن بعضی سرداران طرف مقابل برشوه و انعام ذره کوتاهی نکرد و داد آنچه باید بدهد و برد هر چه باید ببرد و امروز عمده فتوحات نصیب قومیست

مطلب مهم دولت روس و امپراطور را رهین خود سازد اولاً اجازه عطا بفرماید موقتاً چند صباحی بعضی کشتیهای جنگی روس که در دریای سیاه سیر دارند از بوغاز اسلامبول بطرف اقصای شرق حرکت کنند و هم معادل سیصد هزار نفر از عساکر نصرت مآثر بر بعضی حدود و شعور که معین مینمائیم به یفزایند اعلم حضرت سلطان عثمانی که امروز در فطانت و متانت ثانی میکادو در شرق بقلم میروند جواب حکمت اساس صادر فرموده اند که موجب سکوت و رضایت دولت روسیه بوده است

بقیه تجارت از نمره ۱

محمیات تجارت و مقدمات این مقصد ثروت عبارت بیش از آنست که توان شرح داد فقط بر هر ذی شعوری امروزه روشن است که تجارت را دول معظم مصدر سیاسی و منشأ اساسی قرار داده اند و نایک قدم از راه تجارت نروند صد قدم بمقصد سیاست نائل نشوند تاریخ دهسال قبل تا حال خراب بدانشمدان و هو شیاران میفهماند که دولت روس بوسیله تجارت چه قدر بر نفوذش افزوده گشت والا رعایای روس و کپا نیهای داخله روسیه را انقوه و قدرت نیست که بتوانند در نقاط بعیده و بلاد خارجه شعبه تجارت بکشند لیکن باقتضای مصلحت امروز و پیشرفت مقاصد پولتکی : دولت ناچار با کپانیهای خود شرکت کرد و در ظرف سه سال بالغ بر سه گزور خسارت این تجارت را متحمل شد از انطرف بیست ملیان بر فواید و عواید مقاصد دولت روس از این شرکت افزوده گشت والا همه میدانند کپانیه پراخو راف یا مرزاف را چنان استعداد نیست

گردیده است و اغلب دول اروپا که زاغانند بجلد طاووس و عجوزانند بلباس عروس دم از محبت و وداد و صحبت از مودت و اتحاد میدارند و هر یک نمکی بجراحت نخفیانه دولین متحاربتمین میکذارند و اظهار همدردی و بی طرفی خود را در این جنگ بزرگ و نبرد سترک آشکار مینمایند دولین متقاتلتین هم جوابهای مشفقانه لا علاجانه میدهند و این بار محنت را بدل مینهند و هم دولت روس باقتضای طبیعت و موافقت دهر که با هر کس آمیخت او را برانگیخت و با هر که در آویخت او را از هم کسیخت با دول همجوار خیلی اظهار رضایت و ملایمت در این ایام مینماید بلکه در بعضی موارد ندامت خود را از وقایع سوانح گذشته میخواهد

چنانچه اقتراح در دربار دولت علیه عثمانی انقاد داشته و میکوید دوستی و یگانگی دولت روس همیشه با النسبه بدولت علیه عثمانی روز افزون بوده است و هرگز شخص امپراطور دوستیهای حقیقت آمیز اعلم حضرت سلطان عثمانی را از خاطر فراموش نمیکند و از خدا خواهانست که پیوند این محبت همه روزه محکمتر و از روز پیشین بیشتر بوده باشد (شاعر خوب گفته است سلام روستائی بی طمع نیست) پس باقتضای علائم محبت و وداد دولت علیه عثمانی باید در این حادثه شرق اقصا که غفلتاً بجهت دولت روسیه بروز کرده است بدو

که با الهای کزاف به زبادر خایج فارس کسبل دارند انهم بر قابت مال التجاره انکایس و کپانیهای زیقکر وهانس بزرگتر و متمواترین تجار دنیا میتوان امروز دول اروپا عموماً و دولت متحده شمالی امریکا (یا اتازونی را) خصوصاً منتخب کرد عجب وسیله معتبری شده است مسئله تجارت که بدست آویز تجارت چایچه در نمره اول اشارت کردیم اغلب دول بهمین وسیله به مد آرزوی خود نائل می شوند

دولت جمهوری امریکا در ظرف هفتاد سال چنان از تجارت و زراعت ترقی کرده اند (که این هر دو در حکم وجوب همه جا همعنائست) که میتوان مملکت و امعه اورا اول تجارتخانه دنیا حساب کرد و اغلب کپانیها و شرکتهاي انجا در هر سال بعد از وضع مصارف و مخارج کزاف پنجاه الی صد کرور تومان باهمین حساب قدرتیبه خداداده بر سرمایه طرف احتیاط می افزایند چرا راه دور برویم دولت زایون را چیزی باعث نشد در اقدام بچنگ مکر همین تجارت که دیگری خواست با اسم تجارت کم کم در منچوریا رسوخی پیدا کند و نفوذی بهمیرساند و او دید در آنیبه غیر از آنکه از سلطه قاهره او کاسته میشود شکست عظیمی هم در تجارت او انداخته میکرد تجارت کسب شریف محترمست چنانچه پیغمبر اکرم در میان این کسبها و حرفها تجارترا بجهتسه خود منتخب فرمود ما باید حتی القوه در توسعه تجارتان بیفزاییم و ارتباط معنوی پیدا نمائیم و کپانیها تشکیل داده باشیم و ادارات و شعبه ها بهر جا بکشائیم انلا این تجارتها که سایرین بجهتسه مامیکند و روح ملک و قوای مملکت و ثروت رعیت و مکننت ملت را بخود جلب مینمایند مانع شویم و نکذاریم و خودمان خورده باشیم (ماها که علم و فن تجارت نداریم آنست که حامل فرنگیها شده ایم تا بیائیم علم جدید تجارت یاد بکھیم صد سال طول میکشد) چنانچه دارای علم تجارت و فن این کسب شریف نیستیم ممکن است که بریاست شخص کافی کاردان شهادتنامه دار یکی

دو ساله از خارجه اجاره کنیم و بر سر کارش بکاریم و بعد زدو سال مرخصش کنیم الحمد لله این استمداد خداداد که دره است ممکن است دو طفل سواد دار در زبردت او گذاشته باشیم و محقق است این ظرف قایل دو سال اند و طفل یکی کامل خواهد شد (شاهد این مطالب کارخانه ربسمان تابی جناب حاجی محمد نقی شاهرودی ناچراصفهائی واقع در طهران است) اگر چه بخدای لا یزال همت کنیم و غفلت نمائیم هیچ محتاج به آدم فرنگی هم نیستیم جناب صنیع الدوله امروز منکر ندارند اما چه فایده و چه سود از بد بختی باید از همه چیز محروم بوده باشیم والا اگر همت داشتیم الساعه اغلب مهات ما از دایر کردن کارخانجات به ناپید و همراهی و جرد محترم فوق الذکر رفع شده بود و بر همه کس روشن است که امروز شخص شخصی صنیع الدوله در جمیع کپانیها و شرکتهاي کارخانجات مشیر بالاستحقاق است و ذره از اقدامات نافع و ابتاء وطن و متعلق بمقاصد فواید عامه تغافل نفرماید و صد مرتبه از موسیوها و قوسبندیهای اجانب مزیت دارد چرا ما باید منتظر به نشینیم که فلان فرنگی يك بارخانه یا پارتنیه مال آورد بخیریم و حمالی اورا کرده باشیم تجارت مکر منحصر است به پنج صندوق نیل آوردن و ده عدل قماش خریدن و . . . اگر تشکیل شرکت از روی علم میدادیم و امتیاز راه شوشه کردن میکردیم یا امتیاز اراضی معادن خیز زرریق میکردیم انوقت معلوم میشد بعد از ده سال چند کرور تومان هر يك از صاحبان اسهام دارا بودیم والا شرکت کردن و به تجارتهاي مرسومه تجارت کردن هرگز فایده فوق العاده مثل کپانیهای خارجه دست نمیدهد و ان شرکت مزیتی نمی بخشد يك نفر مدیر با علم و اطلاع منتخب کردن و امور انرا مطلق بکف کفایت او نهادن بعد از دو سال سرمشق و ترغیب سایرین خواهد شد و انوقت که لذت شرکت در مذاق عموم راه یافت به اندک زمانی در هر قرا و دهکده ها شرکت خواهد شد همین قدر دلخوش کردیم که بانک استقراضی هر چه بخوایم ده یک

گرفته از مسکو مال بجهت مان میآورد یا بند بست باو کبل داوود ساسون نموده از منجستر مال التجاره قلب فاسد میطلبیم این جمالی را که بقول خودمان نجار روسها وانکیسها بجهت ما میکنند - ایه که این قسم میل داریم ممکن است شرکت عمومی با اسلامیة بناید شعبه شرکت عمومی که در مسکو ولندن مفتوح است و بجهت فرمایشات آقایان حاضر است افسوس که اسباب بدبختی از هر طرف مهباست

اصفهان

خبر نکار مخصوص ما پس از رفتن آقایان عظام در شهر شعبان بدار الخلافه طهران تا حال از توقف همیشه کی و آمد نشان خبری نرسیده در غیاب حضرت والا ظل السلطان که با حضرت جلاله الدوله بطهران تشریف بردند اصفهان امن است و خبری نیست یعنی بر حسب اتفاق الحمد لله زخهای ارزاق اصفهان این اوقات خیلی تنزل کرده است مشهور است میگویند جلوی آب رود خانه زانیده رود را وکندم چاپلاق و کزاز و کمره اصفهان را کسی نمی تواند به بندد حال که کندم مانع وعایقی ندارد خودش تنزل دارد کندم در چند ماه قبل پنجاه من شاه پازده تومان بود و حال شده است یازده تومان ملاحظه قدری بشود جهت تنزل آنست کبی بنوده جلو بگیرد

افواه است که این ایام چهار نفر وزیر بلجیگی باصفهان میآیند یکی بجهت مالیات و یکی و برای

تیول و مستمری و یکی بجهت نرخ و قیمت اجناس و یکی بجهت بنائی و عمارات صفویه و پاکیزه کردن ولایت واقعاً امروز دعای اعلا حضرت شاهنشاه اسلامیان پناه پدر تا جدار ایرانیان و ولینعمت بی منت این رعایای جانثار مظفرالدین پادشاه بر همه کس واجب است که این قسم بفکر رعایای بی چاره و بلاد ایران افتاده اند و میگویند احتمال میدهد که کندم برسد بقیمت پنجاه من پنج تومان خدا شاهدست مردم از بس که پریشان و بی مداخل هستند یکشاهی که از قیمت نان پائین میآید یکجور شعفی دارند خداریشه هر چه انبار دار است از صفحه روزگار بردارد

دیگر شرکت اسلامیة در کار حساب صاف کردن مییاشد یعنی حساب سال گذشته سنه ۱۳۲۱ باید این اوقات تصفیه بشود بقراین کاری کرده باشند اول عجب عرابه راه انداختند و بی علی و بی همتی مردم نکذاشت قسمی که میخواستند بشود حال باز امید واری هست مدرسه باقریه اصفهان اسباب تشویق دیگران شده است اگرچه همت هم خیلی دخیل مییاشد چنانچه جناب جلاتاب سلاله الاطیاب آقای آقا میرزا محمد باقر خان منشی باشی گاهی غفلت از مدرسه ندارند و اغلب اوقات سرکشی میکنند هیچ کس امید نداشت این مدرسه دایر بماند رنود هم سنک اندازی کردند الحمد لله کامیاب نشدند برعکس مهبیج شد که جناب جلاتاب اجل آقای رکن الملك نایب الحکومه اصفهان بفکر تاسیس يك باب مدرسه بپقند انشاء الله تفصیل

اورا بعد عرض میکنم این اوقات تازه کتابی چاپ شده است بعضی میگویند مال طهران است بعضی میگویند کار روسیه است بهر جهت اسم کتاب (رثویای صادقه) میباشد و مضمون او ظاهراً این است که شخصی خواب دیده است عالم محشر را که خداوند قیامت را بیان نموده و یک یک انبار دارها و محتکرین را بپای حساب خواسته باسم و رسم و سؤال میفرماید ای فلانی مرحوم پدر تو که از دنیا رفت اقتدر قرض داشت تو از کجا این همه مال ذخیره کردی مقصود تفصیل دارد از عجایب آنست که یک یک را باسم و رسم خطاب کرده است و گویا بخوبی از حالات آنها خبر داشته عجالتاً مردم از آمدن فرنگی و ارزان شدن نان بخودی خود خیلی خوشحال و همگی دعاگوی ذات اقدس اعلا حضرت مظفر الدین شاه هستند تا بعد چه شود

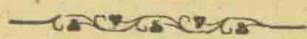
حوادث اسکندریه

شب پنجشنبه سیم شهر ربیع الاول حضرت حاجی امین السلطان میرزا علی اصغر خان صدر اعظم سابق ایران بمعیت همراهان و ملتزمین خود که عبارت از چهارده نفر بوده باشند با قطار راه آهن پورت سعید وارد اسکندریه گردیدند و در هتل (ایاد) که از دویمین هتلهای معتبر و مهمانخانههای بسیار ممتاز است نزول فرمودند و منتخبین این چهارده نفر اشخاص چند نفر ذیلند

اقای حاجی میرزا مهدی قلی خان مخبر السلطنه
اقای حاجی میرزا علی خان معز السلطان

اقای حاجی میرزا احمد خان
اقای محمود مهرا شاهزاده
اقای مهرا ابو الفتح خان
اقای میرزا عبد الکریم خان و ثوق حضور
اقای میرزا اسماعیل خان آصف
و بر حسب اتفاق جناب احمد جلال الدین پاشا که از یاوران دربار ائمه حضرت سلطان عثمانی است و بتازگی از علیه به اسکندریه وارد شده بودند در همان مهمانخانه منزل فروده بودند عبور حضرت حاجی امین السلطان به اسکندریه بعد از حرکت از شام و طریق بیروت و سیر و سیاحت بعضی بنادر و برشامات و سوریه بواسطه فقدان کشتی یکسره بعلیه بود که قهراً بساحل بر مصر فرود آمدند و در ظرف سه روز توقفشان به اسکندریه از بزرگان و اعیان مصر و اسکندریه کسی را ملاقات و دیدنی و بازدید حاصل نشد بدو ملاحظه یکی رسمی نبودن مسافرنشان یکی اطلاع ندادن از جانب خودشان روز دوم جناب بقا السلطنه جنرال قونسل از مصر وارد و تشریف جستند و بر حسب دعوتی که داشتند نهار ظهراً مع همگی متابعان در منزل جناب مهران خان قونسل اسکندریه صرف نمودند و جناب مهران خان قونسل آنچه لازم احتیارات و مراتب شئون بود بجا آورده و ضیافت شایانی کرده بود و عصر همان روز در سه (پنم ساعت مسافت است تا اسکندریه) بهمانی جناب قونسل صرف چای کردند (مهران خان که یک از تجار محترم اسکندریه است چند ماهست محض شرافت و مباحات کار پرداز می اسکندریه را از دولت علیه ایران افتخاراً قبول نموده است در حقیقت یک از رجال با دانش و از مردمان غیور شاه پرست دولت خواه رعیت پرور است که در همه وقت پاس حقوق دولت و ملت را در کمال ایستاده و فطانت مینماید اهالی اسکندریه عمومی اظهار رضا بتمندی و خوشنودی از سلوک اودارند روز دوم به بعضی تماشاخانها بسهر تشریف برده و باز

خواسته و خطبه مولود بني را در کمال فصاحت و بلاغت قرائت نموده پس از فراغت از قرائت ختم مجالس بدعای لازم الطاعة اعلم حضرت خلافت پناهي السلطان عبد الحميد خان ثاني و حضرت والا خديو عباس حلي پاشا ثاني کرديد و از ايرانيان جناب حاجي محمد تقی اقا ناچر تبریزی نجارتخانه خود را آذین بسته و همت عالی را مصروف داشته چراغاني باشکوه نموده بودند که موجب همه گونه تمجید و تحسین بود معلوم است این قبل کارها باعث استحکام روابط دوستی برادران دینی اسلامي است و سبب رفع کلمه اختلاف است و اردین صرف تربیت و فطوه نموده خطیبی مشغول تلاوت قران و قصیده مولودیه بود و مجالس بدعای بقای دول اسلامي عموماً و اعلم حضرت اسلامیان پناه شاهنشاه ایران او المظفر مظفر الدین پادشاه بد الله تعالی دولته خصوصاً ختم کرديد



* یکبار طمع و هزار بار آرزوی مرگ *

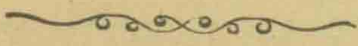
یکی از متمولین تجار ایتالیائی چند صندوق شکاف آئینه دار از مارسیلیا وارد اسکندریه مینماید و در عقب تخته های شکاف هر آئینه مقداری حشیش در کمال مهارت جایی میدهد (حشیش یا ورق الخیال یا برك سبز یا اسرار یا زهر مار در قطر مصر قیمتی بسیار و خواطر خواه بی شمار دارد و حقه که دوست چهل مثقال ۲۴۰ است هشت ۸ لیره چهل چهار ۴۴ تومان قیمت میکنند و اغلب اعالی و ادانی گرفتار این مرض مبرم هستند و اسرار میکشند که بعالم هیروت نزدیک شوند خداوندا هر کجا مشتی مسلمانان جمعند باید بشکلی گرفتار قسمی

مراجعت به هتل نمودند از ايرانيان کسیکه شرفیاب شد جناب اقا محمد علی معین التجار ناچر رشتی بود نکرانده هم دو مجلس شرفیاب شده روی هم ده ساعت حضور داشتیم و استدرک فرمایشات و حضور شان را بی مردم و ذخایر آن ساعات را در خزینه سینه نگاه داشتیم تا بشرط حیات محض اکاهی شرکا عظام چهره نما در ذیل مقاله (رعیت چون رعایت دید ملک آباد میگردد) خواهیم نکاشت و جوهر مطالب آنیه جواب و سئوالهای جناب احمد جلال الدین پاشا است که همه راجع بمطالب پولنیکی است و مطالب جناب اقا محمد علی معین التجار رشتی است و نکرانده در حقیقت (نامرد سخن نکرشته باشد * عیب هنرش نهفته باشد) جناب معین التجار اغلب سئولات همه نمودند و سی بیانات غامضه اظهار داشتند که آخر فرمایش حضرت حاجی امین السلطان بایشان این مصرع بود که (رعیت چون رعایت دید ملک آباد میگردد) از خدا خواهانیم که همیشه این قبل اشخاص و تجاریکه در بلاد خارجه افتخار دولت و ماترادر خورند و دم از دولتخواهی و وطن پرستی میزنند و روك همیشان از خون غیرت وطنی و ملی پرست زیاد بفرماید امید است جوهر مذاکرات این چند ساعت را که آقایان عظام جناب احمد جلال الدین پاشا و جناب اقا محمد علی معین التجار نمودند باستدرک خود مشروحاً بنکاریم

روز شنبه پنجم ربیع الاول با همراهان خود بانفاق کشتی پست روس نیکلای دوم بطرف علییه اسلامبول حرکت فرمودند

و شب دوازدهم که شب عید مولود حضرت ختمی مرتبت بود در اغلب مواضع معتبره اهالی اسکندریه چراغانی کرده بودند و قاریان خوش الحان مشغول به تلاوت قران و قصاید و خطب مولودیه بودند خصوصاً در ابو العباس که در خور مقام و اساس حکومتی چراغانی شایان شده بود و اغلب مشایخ و کبار و پاشاوات و اعیان جمع گردیده بودند و طی الرسم سنوات قبل خطیب بر پا

و (نابرث) حق دخول و تصرف ندارد یعنی جراید برای او دیگر اعتبار و شرفی باقی نمیکنند از این است مادام العمر بلکه هر روز و هر ساعت آرزوی مرگ میکند



(بقیه اجمل التواریخ از نمره ٣)

هرمز بن نوشیروان دوازده سال خسرو پرویز بن هرمز سی و هفت سال و بقولی سی و هشت سال بوده سی و دوم ملکداری پرویز هجرت حضرت زوی صلی الله علیه و آله از مکه بمدینه بود شیرون بن پرویز شش ماه یا هفت ماه اردشیر بن شهرویہ یکسال و نیم شهر زاد هشت ماه یا چهل روز بوران دخت بنت پرویز یکسال و چهار ماه فیروز جشنده از بنی اعمام پرویز روزی چند آز می دخت دخت پرویز چهار ماه کسری بن اردشیر روزی چند خورزاد بن پرویز یک هفته فیروز بن مهران یکروز فرخ زاد بن زاد بن زاد یک ماه شهریار بن خسرو و پرویز شش ماه یزد کرد بن شهریار بن پرویز بیست سال مدت شانزده سال از تطاول عساکر اسلام متزلزل بود نادر سی و یک هجری بمرو کشته شد و بمد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خلفاء سی سال سلطنت کردند

حضرت محمد صلی الله علیه و آله بن عبد الله بن مطلب بن هاشم مدت عمر آنحضرت شصت و سه سال بود در چهل سالگی نبوت یافته و بیست و سه سال در نبوت بزیسته مدت سیزده سال بمکه بوده و ده سال بمدینه و در سال یازدهم روز دوشنبه یازدهم ربیع الاولی رحلت فرموده قلبی عمران حضرت را شصت و پنج سال گفته اند غزوات آنحضرت

فضایح بوده باشند با وجود منصوصات صریحه و منہیات بلیغه شارع مقدس باز شرم و آزر کم نکنند و خود را ذلیل و نفس را اسیر و دین حنیف اسلام را ضعیف بنمایند) بهر جهت در کرکخانه مقتش رسیده کی بصندوقها مینماید پس از تفتیش معلوم می شود حشیش در ظهر آئینه هاست و اسرار اسرار آشکار میشود جمله حشیشها روی هم پانزده حته بوده است ضبط میگردد و بموجب قانون صندوقها را کرک متصرف میشود و موسیو حبیبی معین باید بکشد و دو یست لیره مصری جزای نندی اوست که قبل از حبس گرفته اند و قعا اقدامات مباشرین کرک و محافظین حدود و سواحل قطر مصر و اسکندریه در منع و توقیف این بلای زمینی بغایت کافی است و اغلب مرتکبین را خیلی سخت مجازات میکنند حتی کشتیها یتکه وارد انکرگاه میشود اول مقتش حشیش داخل کشتی برای تفتیش حشیش میرود و چنانچه منقالی پیدا کند دو یست لیره باید صاحب کشتی جزا بدهد با وجود این همه سخت گیریها و تغافل نداشتن مستحفظین باز طمع کار خود را میکنند بقرار مسموع شخص ایتالیائی میخواستند خود را هدف کلوله کند و گفته است پس ازین قضیه مردن بهتر از زنده کیست برای من محقق است مرتکب این اعمال خصوص شخص تاجر معروف متمول پس از مجازات و رسیدن بمکافات و پول هنگفت دادق از اغلب شئونات خارج میشود و در اکثر مواضع معتبر مثل (کلوپ) و (بروسه)

بست و نه بوده و نسوان نه پسر سه دختر چهارتن کتاب
 و دیران حضرت هفت نفر سامی یغمبر محمد احمد
 عاقب حاقب حاشر نبی الملححه نبی التوبه شمایل
 مبارک در تراریخ ضبط است ولادت رسول روز دوشنبه و در
 وقت حجر الاسود که روز دوشنبه بود شانزده سال داشت
 هجرت از مکه مدینه روز دوشنبه بود و روز دوشنبه مدینه
 رسید و روز دوشنبه از دنیا بعالم عقبی رحلت فرمود
 ابابکر بن ابی قحافه عثمان بن عامر بن عمر آغاز
 خلافت عبدالله ابوبکر در سال یازدهم و در سیزدهم
 هجری در گذشت عمرش شصت و سه سال مدت خلافتش
 دو سال و سه ماه و یک هفته بوده است بعضی پنجاه و پنج سال
 گفته اند عمر بن خطاب بن اقبل بن عبد الغری
 ده سال و ششماه مدت عمرش شصت و سه سال

عثمان بن عفان بن العاص بن امیه داووده سال مدت
 خلافتش از ده سال و از ده ماه و هجده روز سال عمرش
 هشتاد و دو سال علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم
 چهار سال و شش ماه و ولدش در روز جمعه سیزدهم رجب در
 درون حرم قبل از بعثت بده سال و قبل از هجرت بیست
 و هشت سال آغاز خلافتش روز جمعه بیست و پنجم ذی
 حجه می و پنجم هجری در شب جمعه نوزدهم ضربت خورد
 و شهادتش بیست و یکم رمضان اربعین هجری امام حسن
 مجتبی ابن امیر المؤمنین علی ششماه مدت خلافتش ششماه
 و پنج روز مدت امامتش بعد از پدر هشت سال و چهارماه
 شهادتش در بیست و هشتم صفر سنه چهل و نه مرقدش
 در بقیع قرقد

ذکر سلطنت نبی امیه و نبی مروان ازین طایفه
 چهارده تن پادشاهی کردند و قریب نود سال مدت
 ملک ایشان بود

معاویه ابن ابی سفیان بیست سال در سال شصتم از هجرت
 در گذشت و پسرش یزید بو صیت او بخلافت رسید
 یزید ابن معاویه سه سال ایام خلافت یزید پایندرا

دو سال و ششماه نیز خط کرده اند در سال اول امام حسین را
 شهید کرد در سال دوم مدینه را قتل و غارت نمود در سال
 سیم مکه را خراب کرد معاویه بن یزید چهل
 روزی مردی دیندار بود ترك خلافت گفت بکنه سی
 خزید تا وفات و ابی ایله کنیه داشت مروان بخلافت رسید
 و او گفته الملك بعد ابی ایسیل لمن غلبا و او طرید رسول
 صلی الله علیه و آله بود مروان بعد از خلافت مادر خالد
 بن یزید را بشکاح آورد و آزن شبی مروانرا بکشت و عید
 الملك مالک یافت و اما ما نند پدرشام و مصر داشت و کار
 او رونق گرفت مروان بن الحکم نه ماه بوده عبد الملك
 بن مروان بیست و یکسال و یکماه عبد الملك ان مروان
 فاضل و عاقل و فقیه و فصیح و شاعر بوده اما خطا کار ظالم
 پرور و از قبایح اعمال او تسلط حجاج بن یوسف است
 بر مسلمانان دیگر غزوه کعبه است با عبدالله زبیر که حجاج
 ملعون نسبت بخانه جدارت و خلاف ادب تمام کرد و عبدالله
 و برادرش مصعب را بکشت و این حادثه در سال هفتاد
 و سه هجری واقع افتاد و عبد الملك سه سال از ان پس از دنیا
 گذشت و ابید بن عبد الملك نه سال و در ماه اندس
 و کاشغر و هند را بکشاد سلیمان بن عبد الملك دو سال
 و پنج ماه یا هشت ماه در سال نودونه در گذشت

عمر بن عبد العزیز مدت او دو سال و پنج ماه فوتش
 در صدویک یزید بن عبد الملك چهار سال بغایت
 آلوده بود و خلیع العذار در فضایح در سال خمس مائه هجرت
 هشام بن عبد الملك نوزده سال و هشت ماه در عهد
 اوزید بن علی خروج کرد و شهید شد و جسد او را ساها
 مصلوب داشتند و ابید بن یزید یکسال و دوماه در سنه ست
 و ثلاثین مائه یحیی بن یزید شد و لشکرا و را بکشتند
 یزید بن ولید هشت ماه ابراهیم بن ولید سه ماه
 مروان براو مستولی شد مروان الحمار شش سال
 ابو مسلم مروزی داعی آل عباس کشته شد

ذکر سلطنت نبی عباس و عدد این مسلسله سی



مجسمه یاد کاری محمد علی باشا

از صفحه کیتی زود نام و نشان * انرد وطن دوست که خدمت بوطن کرد *

وهفت نفر بوده اند مدت ملك ایشان پانصد و بیست و سه سال است

بدانکه ظهور دولت آل عباس در سال یکصد و سی و دو هجری بوده که لشکر سفاح بر مروان حمار که یکصد و بیست هزار سوار داشت غلبه کردند و مروان بمصر گریخت در بوسیر که دهیست از سعید مصر بدست لشکر عبدالله بن علی عم عبدالله سفاح کشته شد سر او را بکوفه بردند سفاح جلوس و بنی امیه را قهر و قتل کرد و ابو سلمه خلال را که چهار ماه وزارت او کرده بود بکشت بدانکه دولتها بر دو گونه است اصلی و فرعی و مراد از دولت فرعی دولتیست که بر اصلی طاری شود اصلی سه دولت بوده است

اول دولت خلفای خمسہ ابو بکر عمر عثمان علی حسن بن علی دویم بنی امیه از ابتدای مصالحه حسن بن علی تابعیت با سفاح که در صد و سی و یک بوده سیم دولت بنی عباس از بیعت با عبدالله مستعصم در سنه

اول ابو العباس عبدالله بن عباس چهار سال و نه ماه مدت عمرش را بیست و هشت سال نوشته اند در صد و سی و شش گذشت ابو جعفر منصور دو اوقتی بیست و دو سال شهر بغداد را بتانهاد در صد و چهل و پنج هجری و در دو سال تمام شد مهدی عباسی پانزده سال و یک ماه چون منصور در مکه بمرد در ثمان و ختمین مائه با مهدی بیعت کردند در سال تسع و ستین مائه بزهر بمرد پسرش هادی خلیفه شد هادی عباسی یکسال سه ماه هادی عمرش بیست و پنج سال در سبعین مائه در گذشت هرون الرشید بیست و سه سال و دو ماه فوتش در صد

و نود و سه بطوس بوده زمان عمرش چهل و هفت سال محمد الامین چهار سال و هفت ماه قتلش در صد و نود و هشت بوده زمان عمرش بیست و هشت سال

مأمون الرشید بیست و هفت سال و هفت ماه وفاتش در سنه دویمت و نوزده زمان عمرش چهل و هشت سال المعتمد بالله هشت سال و هشت ماه و هشت روز

وفاتش در دویمت و بیست و هشت عمرش چهل و هشت سال بابک حزم دین در عهد معتمد خروج کرده هزار هزار کس در معارک کشته بود آخر بدست آمده در بغداد بقتل رسید معتمد را خلیفه مثنی خوانده اند که هشت هزار غلام و هشت هزار کنیز داشت و هشت شهر بنیاد کرد و هشت هزار اسب ابلق با سواران او بوده و هشت هزار هزار مثقال طلا و هشت هزار هزار درم نقره از او باز ماند الواثق بالله پنج سال نه ماه بوده فوتش در دویمت و سی و عمرش چهل و شش سال

بقية خصائص اعلحضرت امپراطور روس *

وساحت کبکی را از خس خاشاک آدم کشی ولوث خونریزی پاک دیدند بر روان مفکر این خیال عالی و موید این اساس راحت جاودانی درود فرستند عیشها کنند طربها انگیزند بلکه در هر بلاد و قراء بیاد کاری او بناهای خیر بر پا کنند و در اغلب بلاد معظم مجسمه او را از زر خالص بریزند و برای نثار اعیاد او مالها مصرف نمایند اما افسوس این خیال مقدس صورت خوارجی پیدانکرد (بلکه از همان تاریخ پنجاه میان برقوای بحری و بری روس افزوده شد و نتیجه این است که ظاهر شد)

و هم در انسال از پیش بینی و عقل بلند و کیاست ملوکانه و مال اندیشی و خرد مندی و کیاست شاهانه افق آسمان استقبال دولت را تار یک و هلال چرخ رفعت و اجلال آئنده روس را باریک مشاهده میفرمودند و کشف این مسئله بزرگ و راز این معمارا

نهنتنی را سراپا در پرده باقی نه نهفتم . آنچه فکر ترحمات بود خزاندم . و هر چه بذهنت مزخرفات بود بمان راندم . و از هر دري محض آسایش جمهور . و آرایش امور . مذاکره نمودم . و باب رجا و امتعانت کشودم . حالم تباه . و روزگارم سیاه . و بیش ازین در کنج عزالت نشین . و سکونت را برای ترضیه نفس مقدس خود مکزین . اگر چه از روز و کداز زمانه . و خرابی این خانه . سراپا در آتشم . و هم چون جمع بریشان مهوشان مشوشم . لیکن محاسبات نا جواب مقرون بصواب از نوشنیده دست بکشم . روزگار نا ملایم . همه از بد بختی علائم دارد . و مادر دوران کویا همواره اطفال بی طالعی زاید . و دایه ایام موالید نا اهلی پروراند . اوه اوه آی چرخ نا بچار . و ای فلک بد کردار . نا چند اختر نحس بما سیر دهی . و از شیبادی و جیل و از غمازی و شعبده دول بار محنت بردن مانهی چه بگویم . و چگونه از غیر تو کسی متجر اعانت جویم . من با مغشوشی حال . و گرفته کی احوال . و پریشانی مقال باوه سرایم . و از نا شنیدن جواب خود داری نمایم . و مصلحت و صلاح . و مشورت و فلاح از تو خواهم (با جوان پخته پیر عقل خام * کجی کنند طرح رفانت را تمام) حکما گویند آدم بی هنر . چون درخت بی ثمر است . نو سراپا چهره هنری . و مصدر اطلاع و نشاء خیری . چرا در درد جواب مبادرت . و در امر خطاب مساعدت . نمکینی . ازین بیانات حزن انگیز . و مقالات رقت خیز . کاهی مستعد جواب . و دمی . مهابی خطابی . ولی هر چه از نقش در آید . از تو بر آید . و اسکر از صخره صما رطوبتی طراود . از توجنبشی آید . (نجس می همه دانش ولی چه سنک خموشی * چه مصلحت بود آیا چون زغم نغوشی) پس دست تضرع و انابه وزاری . و استغاثه و لابه و بی قراری بسوی چاره بی چاره کان . و فریادرس درمانده کانت . دراز نمایم . و کفاهه انیکه قطع رجا و رحمت است . عنوش از او وسیانیکه باعث نزول بلا و تقصمت است رفمش از او خواهم .

بقیه دارد

از فطانت وزیره کی و متانت و سترکی نزد کسی اظهار نداشتند و فقط مصلحت دران دیدند که از سلطنت مستقله دست کشیده استعفا بدهند و کهن برادر خود را بسطنت برگزینند که اگر زمانی غبار کدورت و ذلت بر ساحت ملک و مملکت نشیند در عهد فرخنده مهد ایشان نباشد (این پیش بینی ظاهرآ بجهت حال بوده) و پس از قرونی که تاریخ اقبال و ادبار عهد سولف ام و طبقات عالم را بر آورده کان بنمایاند و زشتی و نیکی هر پادشاهی از رشحات مورخین در الواح روزگار بماند این پادشاه نام نیک و اسم بمدینت نزدیکش در زمره نیکان و خوش نفسان برده شود و جواز افتخار عهده بر فراز کنبد مرقدش نصب کنند

بقیه دارد

(بقیه مقاله مواآسه از شماره ۳)

ای مفسر آیات ضایع . و ترجمان امام سراپا . ای چمن آرای حدیقه معانی و بیان . و نقش بند کارگاه مانی و لسان . ای رشحات فلت ایس بی کسان . در زاویه تنهائی . و ی اثرات رقت جلیس بی نوسان در گوشه جدائی . برای عطوفت حضرت ربانی . و بجهت رثوت کردگار سبحانی . و ذخیره قیامت کبری . و وسیله شاداید یوم جزا . آواره سراپا غمرا دستگیر . و ازین بی چاره درم شکایت برسیم حکایت را پذیره و از راه ناطف و مهربانی مرا . نر جو و خود را متنفر نخواه . و از حقیقت درد و مزاج . و طریقت درمان و علاج . این رنجور ملوم . و همچور از راحت محروم را بیساکاه . اسرار کفتمی سراپا کفتم . و رموز

تلاکرافات عمومی

(از ١٠ ربیع ٢٨ می)

(شیفری) جنرال اوکو ژاپونی منشوری باهالی جزیره (ایوانغ) پیشنهاد نموده میگوید دولت ژاپون بحق تیغ میزند و دفاع میکنند و مسلم عالمیانست که آنچه تاکنون فتح نصیب ژاپون شده نتیجه حقیقت دفاع اوست لذا از ماکولات و مشروبات عمومی مختار در فروش هستید و کسی بجزر و عنف از شماها چیزی نخواهد خرید

(توکیو)

مخبر روتر خبر میدهد که جنک امروز که در خلیج (کانچورا) واقع شد نمیتوان با یادین قبل مقایسه کرد امتداد این حرب پنج ساعت چهل دقیقه طول کشید عاقبت روسها ناب مقاومت نیاورده بطرف (تان کوان نغ) فرار کردند و ده عراده توپ چاشنیهایش را میخ کوپ کرده بجهاناند غنیمت ژاپونها در این معرکه شصت هشت توپ میدانی و ده توپ قلعه کوپ و هزار کسری تفنگ و چهار صد اسیر بود و مقتولین روس نامعلوم و مقتولین و مجروحین ژاپون سه هزار دوست علاوه بود

(لندن)

یکدسته از سربازان انگلیسی جماعتی از تبتهارا محاصره کرده تبتها بجلافت خود را رها نموده ناربه حرب بالا گرفته دو افسران انگلیس و سه نفر از قشون تلف شده و از اهل تبت یازده نفر مجروح و مقتول شده اند خسارت تبتها خیلی بوده

(واشنتون)

جنرال کورپانکین خبر داده است که یازده دینیمت قهر البحری ژاپونهارا روسها بچنگ آورده و تصرف نمودند (جده)

بامر اعلمحضرت سلطان عثمانی (کشتی عسیر) دولت عثمانی نه صد ٩٠٠ حجاج که پریشان و فقیر بودند از جده حرکت داده مصارف راه تا بقصد دریا میدهد

(نیوشوانغ)

دیپلی خبر میدهد که دسته سیم ونهم و یازدهم ژاپون در (نانشان) یکباره حمله آورده و بواسطه ضیق مکان و کثرت دره و سنگلاخها و خرابی حصارها مصاف رزم بجهت طرفین سخت بود ژاپونها می توپ به بالای تلی کشیدند و غلبه جستند از طرفین دو هزار پانصد نفر مجروح و مقتول شدند روسها پانصد نفر از منقرین خود را بجای گذاشته پس نشستند

(لندن)

یک از قطاعان طریق مراکش در بیرون شهر طنجه بدون توپ امیر کائی و انگلیسی بر خورده اند و نفر را غارت کرده شخص امریکائی تقدینه رجواهر زیاده همراه داشته بدو ات خود خبر میدهد دولت امریکا هفت فرزند کشتی جنگی بدریای انلانٹیک فرستاده و اطراف جزیره های آسورا فرو گرفته اند

(توکیو)

جنرال کورکی سه سالار ژاپون میگوید شهر (نانشان) (و کانچورا) روسها تخلیه کرده و بطرف (نا کوان نغ) و هوانشانغ) زور آور شدند در بین راه دودسته سواران ژاپون تصادف کردند و آنها را استقبال نمودند اغلب متواری گردیدند و زیاده از یک هزار نفر روسها مقتول و اسیر شدند و از ژاپونها سیصد نفر مقتول شدند

(نیوجوانک)

جنرال کورپانکین به پترسبورغ تلگرافاً از محاصره بندر (پور آرتر) خبر میدهد و ضمناً شکایت از دیر رسیدن آذوقه و الوفه میخاید

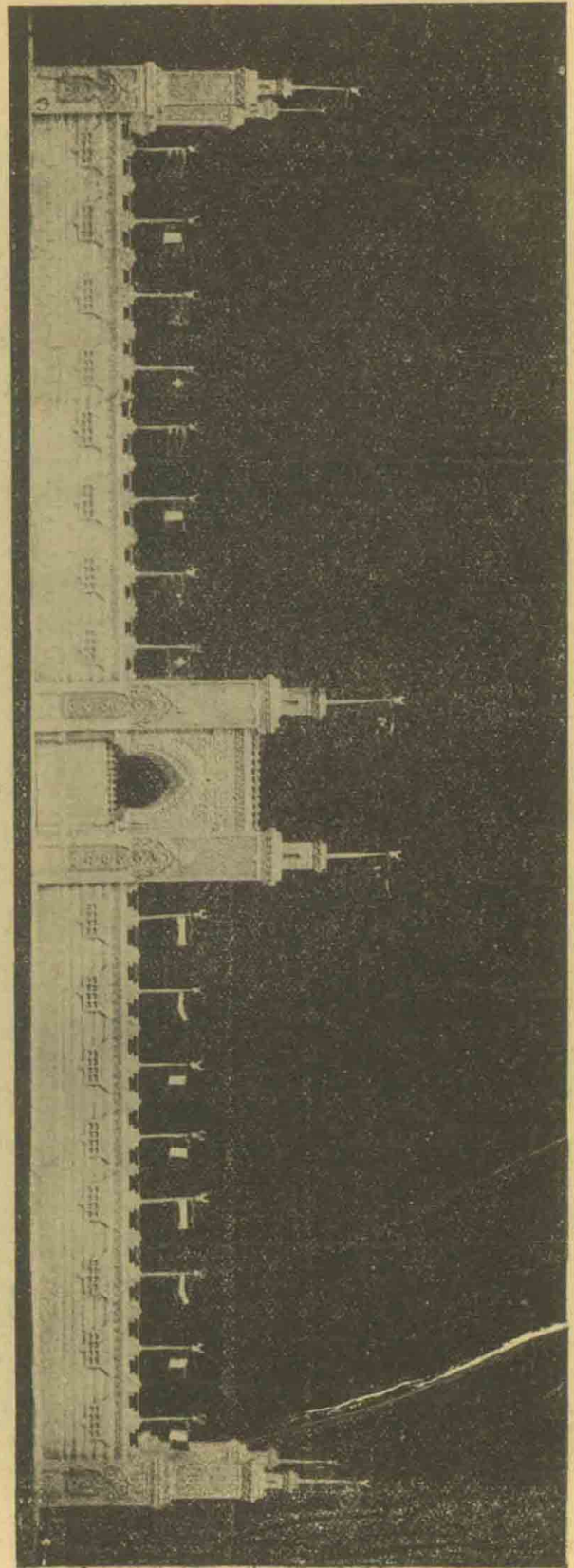
(واشنتون)

یک از افسران تماشائی خبر میدهد که اتلافات قشون روس اکثر بواسطه اشتیام بوی بارود توپهای ژاپونست که محض شتیدن بوی و رفتن درد ماغشان فوری خون زیادی از ماغشان مرزید شده بزمین درمی افتند



وزونوگراف و نقاشی و طراحی و رنگ آمیزی و اقسام مختلف
 در این فن شریف معارفی تام و تمام دارد و در واقع
 از اولین اداره جات اروپا بشمار میرود به عموم اهالی ایران
 و هندوستان و اسلامبول اعلان و اعلام مینماید که هر کس
 از هر جا فرمایشی داشته باشد در این فن یا عکس کوچک
 داشته بخواهد بزرگ کند یا بزرگ را کوچک یا برنگهای
 ملون ثابت رنگ آمیزی کند اداره ما حاضر است
 و بمدت قلیل کامیاب خواهد شد بتوسطه اداره چهره نما
 فرمایشات را ابلاغ بفرمایند انجام پذیر خواهد شد

در اسکندریه مطبوعه بنی لاجودا کس چاپ میشود



(اعلان)

اداره لاجودا کس که صنعت عکس و ترسیمات